

## صدای زنان پیشگام: تحلیل طرح تاریخ شفاهی شورای کتاب کودک

پیمانہ صالحی

نویسنده و پژوهشگر تاریخ شفاهی، کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

Pe\_salehi@yahoo.com

### چکیده

تأکید بر جایگاه مصاحبه‌های تاریخ شفاهی به منظور دستیابی به رهیافت‌های تازه در بررسی پیشینه شورای کتاب کودک و واکاوی تأثیر روایات اعضا و همکاران شورا در گسترش فعالیت‌های داوطلبانه از طریق تحلیل داده‌های استخراج‌شده از روایت‌های زنان در طرح تاریخ شفاهی شورای کتاب کودک، هدف این نوشتار است. پس از مرور داده‌ها موضوعات قابل استنباط از میان گفته‌های زنان شناسایی و محتوای مصاحبه‌ها تحلیل کیفی شد. تفسیر منابع تاریخ شفاهی نشان داد که تبیین فرازونشیب‌های اقدامات شورای کتاب کودک با بهره‌مندی از روش پژوهشی تاریخ شفاهی از کارایی خاصی برخوردار است و مسیر بالندگی این نهاد را نمایان می‌سازد. عشق به ادبیات کودک، مدیریت مشارکتی، کتابداری اجتماعی، و تولد فرهنگنامه کودک و نوجوانان از جمله مصادیق مشترک برآمده از مصاحبه‌هاست.

**کلیدواژه‌ها:** شورای کتاب کودک، تاریخ شفاهی، مصاحبه، زنان، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، کتابداران

## مقدمه

شورای کتاب کودک تشکلی غیردولتی است که سال ۱۳۴۱ / ۱۹۶۲ تأسیس شد تا به شکوفایی ادبیات ایرانی برای کودکان و نوجوانان، بهبود کمی و کیفی کتاب‌های کودکان و دسترسی هرچه بیشتر این گروه سنی به کتاب و خواندنی‌های دیگر کمک کند. اصلی‌ترین وظیفه این نهاد ارزش‌گذاری کتاب‌های منتشره در حوزه ادبیات کودک و نوجوان و جهت‌دهی انتشار کتاب‌های این گروه سنی به سوی آثار باکیفیت است. سال ۱۳۵۸ / ۱۹۷۹ تدوین کتاب مرجع بزرگی برای کودکان و نوجوانان ایرانی مطرح شد. تاکنون بیست و یک جلد از این کتاب منتشر شده و انتشار مجلدات بعدی همچنان ادامه دارد.

شورا شعبه دفتر بین‌المللی کتاب برای نسل جوان (IBBY)<sup>۱</sup> در ایران است که سال ۱۳۴۳ / ۱۹۶۴ به عضویت این دفتر درآمد. شرکت در مجمع عمومی، گزارش فعالیت‌های انجام‌شده، عضویت در کمیته اجرایی، عضویت در هیئت داوران جایزه هانس کریستین اندرسن<sup>۲</sup> و ریاست هیئت داوران از جمله فعالیت‌های شعبه ملی ایران است (انصاری، ۱۳۹۰: ۱۶۶-۱۷۴). شورا در حوزه کتابداری اجتماعی بسیار فعال است. تأسیس خانه کتابدار کودک و نوجوان و ترویج خواندن، راه‌اندازی کتابخانه برای مهمان‌شهرها و اجرای طرح‌هایی نظیر «خورجین کتاب» و «با من بخوان» از جمله تجربیات شورا در این حوزه است (انصاری، ۱۳۹۶: ۱۲۰-۱۲۲).

در سال‌های اخیر پیشینه شکل‌گیری و ارزیابی عملکرد شورا از سوی پژوهشگران مورد توجه قرار گرفته است. یکی از این پژوهش‌ها اجرای «طرح تاریخ شفاهی شورای کتاب کودک» در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران است. منابع حاصل از این طرح که بر مبنای مصاحبه با شماری از اعضای هیئت‌مدیره، اعضا و همکاران شورا، به‌ویژه زنان پیشگام در این حوزه گردآوری شده، ناگفته‌های بسیاری از فعالیت‌های این تشکل ارائه می‌کند. تحلیل کیفی داده‌های برآمده از طرح مذکور، هم‌تصویر روشنی از تاریخ

1. International Board Books for Young People (IBBY)
2. Hans Christian Andersen

تأسیس این نهاد در بستر اجتماعی ارائه می‌کند و هم‌الگویی کاربردی برای علاقه‌مندان به کارهای داوطلبانه به شمار می‌آید.

نوشتار حاضر در پی یافتن پاسخی به پرسش‌های زیر است:

- روایت‌های اعضای شورا به‌ویژه زنان تا چه حد نمایانگر شکوفایی این تشکل در گذر زمان است؟
- عملکرد شورا تا چه حد بر سایر مؤسسات پیشگام در ارتباط با کتاب و کتابخوانی برای کودکان و نوجوان تأثیرگذار بوده است؟
- آیا روحیه مشارکت و کار جمعی در میان همکاران شورا موجبات نیل به خواسته‌های این نهاد را فراهم آورده است؟
- چطور می‌توان از زنان پیش‌کسوت در شورا آموخت و از دستاوردهای آنان الهام گرفت؟

در زمینه ثبت و ضبط تجربیات اعضای شورا و به تبع آن، تحلیل یافته‌های حاصل از این پژوهش‌ها، آثاری تألیف شده است که شماری از آن‌ها ذکر می‌شود:

لیلی آهی، توران میرهادی و مهدخت دولت‌آبادی (۱۳۵۴) در کتاب گذری در ادبیات کودکان، ضمن بررسی تحولات ادبیات کودکان در ایران، به مسیر فعالیت‌های علمی و فرهنگی در این زمینه پس از شکل‌گیری شورا اشاره کرده‌اند.

آتش جعفرنژاد (۱۳۶۳) در کتاب ۳۹ مقاله درباره ادبیات کودکان، ضمن نگاه به ادبیات کودک و مواردی نظیر نقش خانواده در ترغیب کتابخوانی، به جایگاه شورا در توسعه اهمیت به ادبیات کودک پرداخته است.

محمد دیدار (۱۳۶۷) در کتاب بیست سال تلاش، با کندوکاوی در اهداف شورا از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۶۱، ضمن بررسی اولویت‌های پژوهشی شورا، پیشگامان گسترش فرهنگ کتابخوانی برای کودکان را معرفی کرده است.

معصومه سهراب (۱۳۷۲) در کتاب ۱۷ مقاله درباره ادبیات کودک، ضمن تألیف مقالات تخصصی در این حوزه، به‌عنوان یکی از بانیان شکل‌گیری شورا، به انگیزه بنیان‌گذاران در تأسیس اشاره کرده است.

پریچهر نسرین پی (۱۳۹۳) در کتاب از همکاری تا مشارکت، در مصاحبه با کارشناسان عضو شورا و فرهنگنامه کودکان و نوجوانان، تجربیات آنان را از شروع همکاری با شورا و گسترش فعالیت‌هایشان ضبط کرده است.

شهرام اقبال‌زاده (۱۳۹۳) در کتاب ارج‌نامه (علم عاشقی)، مشتمل بر ۳۵ دل‌نوشته و ۵ مقاله که به مناسبت پنجاه سال فعالیت شورا تهیه شده، مسیر دستیابی به الگوی کار مشارکتی را تصویر کرده است.

علی بوذری (۱۳۹۴) در کتاب کتابداری و کتاب‌پژوهی در آثار نوش‌آفرین انصاری، به موشکافی نقطه‌نظرات انصاری به‌عنوان دبیر شورا، در زمینه اهداف شورا و تألیف فرهنگنامه پرداخته است.

پریچهر نسرین پی (۱۳۹۸) در کتاب دو مصاحبه با زهره قاینی و پروین فخاری‌نیا، در گفت‌وگو با این دو کارشناس ادبیات کودک، فراز و نشیب‌های فعالیت شورا را در سال‌های همکاری آنان با این نهاد فرهنگی تحلیل کرده است.

پیمان صالحی (۱۴۰۱) در مقاله «روایت از روزن گفت‌وگو: تحلیل طرح‌های تاریخ شفاهی کتابداری و اطلاع‌رسانی در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران»، ضمن اشاره به مؤلفه‌هایی که تحلیل محتوای مصاحبه‌ها بر مبنای آن انجام شده، بر درک نقش کتابخانه‌های کودک در حافظه فرهنگی ایرانیان تأکید کرده است.

تاریخ شفاهی شورای کتاب کودک

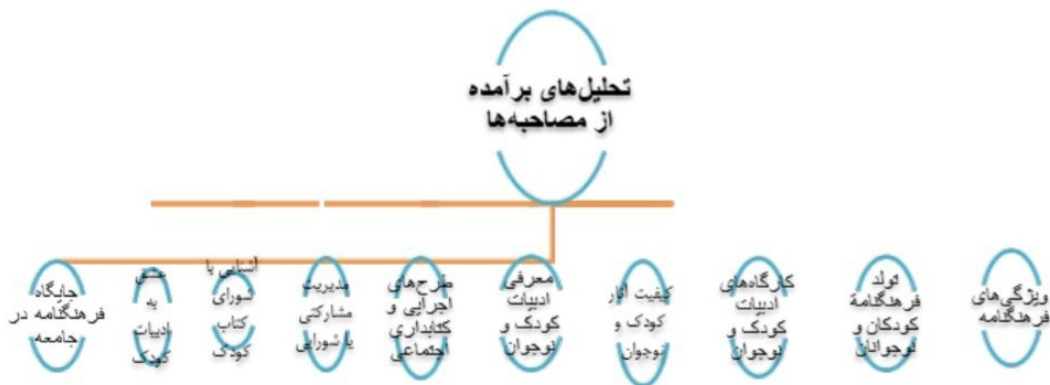
تاریخ شفاهی روش پژوهشی نوینی برای واردکردن همه افراد جامعه در ساختن تاریخ خود و درک انتقادی از گذشته است. این روش، گونه‌ای از تاریخ‌نگاری حال است که برخلاف زندگی‌نامه‌نویسی، بر مصاحبه استوار است. اصطلاح تاریخ شفاهی در یک معنا، به فرآیند انجام مصاحبه با مردم توجه دارد و در معنای دیگر، محصول همان مصاحبه است که در قالب گزارش روایی از رویدادهای گذشته متجلی می‌شود؛ در واقع هم شیوه‌ای پژوهشی و هم ماحصل فرآیند پژوهش است.

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران از سال‌های آغازین توجه به این روش پژوهشی در ایران، مصاحبه با شخصیت‌های منشأ اثر در تاریخ معاصر را با نگاهی بلند و همه‌جانبه

آغاز و تاکنون با بیش از هزار شخصیت مصاحبه کرده است. رعایت استانداردهای تاریخ شفاهی در مراحل مختلف، از انجام مصاحبه گرفته تا حفظ و نگهداری و اطلاع‌رسانی و انتشار، در دستور کار تاریخ شفاهی نگاران این سازمان قرار دارد.

در طرح تاریخ شفاهی شورای کتاب کودک، با پیش‌کسوتان تعلیم و تربیت، استادان ادبیات کودک و متخصصان کتابخانه‌های کودک مصاحبه شده است که از آن جمله می‌توان به مصاحبه با شخصیت‌هایی همانند توران میرهادی، نوش‌آفرین انصاری، ثریا قزل‌ایاغ و منصوره راعی اشاره کرد. از جمله اهداف اجرای طرح مذکور این موارد قابل توجه است: تبیین پیشینه تأسیس این مرکز، تأثیر آن بر تاریخ ادبیات کودک و نقش شورا در شناساندن ادبیات کودکان ایران به جهانیان.

در طرح پیش‌گفته، با ۶ نفر از اعضای هیئت‌مدیره و ۱۲ نفر از اعضا و همکاران شورا، در ۴۲ جلسه، به مدت ۶۳ ساعت مصاحبه شد. همه اعضای هیئت‌مدیره را زنان تشکیل دادند و ۵ نفر از اعضا و همکاران نیز از زنان بودند. در این نوشتار، پس از مرور داده‌های حاصل از ۴۲ جلسه مصاحبه، مؤلفه‌های قابل استنباط از میان گفته‌های راویان تحلیل و به تناسب، مصداق‌هایی از گفته‌های آنان تبیین شد. به دلیل رعایت الزامات حقوقی و اخلاقی در تاریخ شفاهی، مصادیق از میان مصاحبه‌هایی انتخاب شد که پس از کسب اجازه از راویان یا بعد از فوت آنان، با رضایت خانواده‌هایشان در قالب کتاب منتشر شده است. هر چهار کتابی که منتشر شده، مصاحبه با زنان است. گفته‌های زنان به‌عنوان روایت‌هایی دست‌اول، نه تنها مکمل اسناد مکتوب‌اند، بلکه اسنادی منحصر به فرد قلمداد می‌شوند. از جمله تحلیل‌های برآمده از مصاحبه‌ها (مندرج در شکل ۱) این موارد قابل ذکر است: عشق به ادبیات کودک، آشنایی با شورا، معرفی ادبیات کودک و تولد فرهنگنامه کودکان و نوجوانان.



شکل ۱: تحلیل‌های برآمده از مصاحبه‌ها

### عشق به ادبیات کودک

یکی از ویژگی‌های برجسته تاریخ شفاهی این است که راویان از دیدگاه خودشان به یک رویداد واحد می‌نگرند و بدین شکل پژوهشگران از خلال پاسخ‌های راویان و تعدد روایت‌ها، نانوشته‌های تاریخی را کشف می‌کنند. به‌طور مثال از مقایسه روایت‌های ثریا قزل‌ایاغ و منصوره راعی با توران میرهادی و نوش‌آفرین انصاری، چهار تن از استادان پیش‌کسوت ادبیات کودک، دو نوع لحن خاص استنباط می‌شود. قزل‌ایاغ و راعی موضوعات را با بیانی انتقادی و زبانی آسیب‌شناسانه، و میرهادی و انصاری با لحنی عاطفی و زبانی توصیفی بیان می‌کنند. گاه یک روایت به‌عنوان سندی برای دیگری قابل استناد است. تدوینگر تاریخ شفاهی باید تلاش کند گفته‌های مصاحبه‌شوندگان را با بهره‌مندی از سایر منابع مستندسازی کند.

پرس‌وجو در باب این موضوع که «چطور به ادبیات کودک علاقه‌مند شدید»، یکی از مباحثی است که در تاریخ شفاهی شورای کتاب کودک به آن توجه شد. توران میرهادی که بیش از شصت‌سال در راه روشن نگه داشتن مشعل پژوهش‌های ادبیات

کودک در ایران کوشید، چنین توصیفی از کتابی تأثیرگذار دارد که بنیان‌های عشق به ادبیات کودک را در او نهادینه کرد:

«وقتی به خواندن و نوشتن فارسی مسلط شدیم، مادر درس آلمانی را شروع کرد و چند کتاب آلمانی مناسب برای بچه‌ها داد که بخوانیم. یکی از آنها کتابی بود از جنگ جهانی اول که آلمان‌ها می‌بایستی شهر را تخلیه می‌کردند و بچه‌ای این وسط گم می‌شود و پدر و مادرش را پیدا نمی‌کند. بعد یک جنگ‌گلبان او را به خانه‌اش می‌برد و با بچه‌هایش بزرگ می‌کند. یک دفعه کولی‌ها می‌آیند دم خانه اینها و وسایل قدیمی می‌خواهند. این بچه بلوزی را که در پنج سالگی تنش بوده، نمی‌دهد و بچه‌های جنگ‌گلبان با او دعوا می‌کنند. او بلوز را به‌عنوان نشانه برای خودش نگه می‌دارد و از طریق همان، پدر و مادرش را پیدا می‌کند. این کتاب من را به شدت ضدجنگ کرد یعنی توانستم عواقب جنگ را حس کنم» (میرهادی، ۱۳۹۷: ۱۸).

نوش‌آفرین انصاری که بیش از چهار دهه دبیری شورا را عهده‌دار است، به‌رغم اینکه ۲۴ سال ابتدای زندگی‌اش به دلیل شغل پدر در کشورهای مختلف گذشته است، یکی از سرگرمی‌هایش را کتابخوانی معرفی می‌کند و از همان دوران با فکر ادبیات کودک آشنا شده بود. او به علاقه‌اش این‌طور اشاره می‌کند:

«من از کودکی کتاب می‌خواندم و از خواندن لذت می‌بردم. طبعاً پایه‌های عادت به مطالعه و علاقه‌مندی به خواندن، در کودکی و نوجوانی شکل می‌گیرد. زمانی که تحصیل در رشته کتابداری را آغاز کردم، به این نتیجه رسیدم که باید نظم و نظامی در خواندن، به تناسب دوران رشد وجود داشته باشد. بنابراین پیش از آن به‌طور کلی با فکر ادبیات کودکان و نوجوانان آشنا شده بودم» (انصاری، ۱۳۹۷: ۱۶۹).

ثریا قزل‌ایاغ نخستین مدرس ادبیات و کتابخانه‌های کودک ضمن بیان خاطرات دوران مدرسه، به تأثیر قصه‌های صبحی مهتدی بر علاقه‌اش نسبت به ادبیات کودک، چنین اشاره کرده است:

«یکی از خاطره‌های جذاب مدرسه ما این بود که یک قصه‌گوی خیلی بزرگ یعنی صبحی مهتدی در آن حضور پیدا می‌کرد. صبحی در بالاخانه‌ای زندگی می‌کرد که

اتاق‌هایش رو به مدرسه ما باز می‌شد. آن موقع در رادیو و در برنامه‌ای به اسم «بچه‌ها سلام» قصه می‌گفت. هر روز ظهر که از رادیو برمی‌گشت، به حیاط مدرسه ما می‌آمد و دستی به سر و روی بچه‌ها می‌کشید و برای آنها قصه می‌گفت و نقل می‌آورد. من هیچ وقت قیافه او را از یاد نمی‌برم. صبحی تأثیر خیلی مثبتی روی من داشت چون بخشی از علایق من به ادبیات کودکان از همان زمان شروع شد» (قزل‌ایاغ، ۱۳۹۷: ۳۱).  
منصوره راعی نظریه پرداز و استاد ادبیات کودک ضمن اینکه سال‌های تحصیل در مدرسه عالی ادبیات را زمینه ساز آغاز علاقه به پرورش کودکان می‌داند، تأثیر قصه گویی بر رشد شخصیتش را به این شکل روایت کرده است:

«در مورد علاقه به ادبیات کودک و پژوهش در این زمینه باید عرض کنم که من به ادبیات کودکان علاقه مند بودم و فکر می‌کنم نسل ما، جزو آن نسلی است که با قصه بزرگ شده و شخصیتش با قصه‌های عامیانه ساخته شده است. کتاب‌هایی که بعداً به بازار نشر آمد، نظرم را جلب کرد اما پیش‌تر علاقه به این حوزه در وجودم شکل گرفته بود» (راعی، ۱۳۹۹: ۱۴۷).

### آشنایی با شورای کتاب کودک

توران میرهادی که در حوزه آموزش و پرورش مدرسه فرهاد را بنا نهاده بود تا الگویی برای آموزش از سنخی دیگر باشد، با هم‌فکرانش شورای کتاب کودک را شکل داد تا ادبیات کودکان مدرن را پایه گذاری کند. او به اندیشه بنیان گذاری شورا چنین اشاره می‌کند: «ما نمایشگاه سال ۱۳۳۷ را در مدرسه فرهاد به این صورت برگزار کردیم که سؤال‌های بچه‌ها را به دیوار زدیم و کتاب‌های موجود را روی میز گذاشتیم. ما نشان دادیم که بچه‌ها این همه سؤال دارند ولی کتاب ندارند. برای اینکه راه چاره پیدا کنیم، بعد از ظهرها در حیاط مدرسه جلسه تشکیل می‌دادیم تا هر کسی پیشنهادش را مطرح کند. از جمله پیشنهادها این بود که سازمانی به وجود آید که به حوزه کتاب کودک توجه کند، این کار را بر عهده بگیرد و امور را هماهنگ کند. این پیشنهادها را جمع‌آوری و تنظیم کردیم ولی در واقع آن پیشنهاد در ذهن همه ما بود و سرآغاز دعوتی شد از کسانی که



در کار کتاب کودک، تعلیم و تربیت، روانشناسی و نشر بودند. جلسات متعددی تشکیل شد تا اساسنامه سازمان را تصویب کردند. پنج نفری که این کار را دنبال می کردیم، آقای مرتضی ممیز، آقای احمدی از نشر اندیشه، خانم ماه آفرید آدمیت، خانم آهی و من بودیم. ما پنج نفر اساسنامه را تنظیم کردیم و بعد، از یک گروه چهل نفری دعوت کردیم و آنها اساسنامه را مطالعه کردند و تغییرات لازم را دادند و تصویب کردند. اولین جلسه هیئت مدیره شورای کتاب کودک سال ۱۳۴۱ تشکیل شد» (میرهادی، ۱۳۹۷: ۴۳).

راعی که بیش از چهار دهه از عمر خویش را در راه اعتلای ادبیات کودک گذرانده بود، نقش میرهادی را در استمرار فعالیت های شورا پُررنگ ارزیابی می کند. او نحوه آشنایی اش را با شورا این طور روایت کرده است:

«من به آفتاب وجود خانم میرهادی به شورای کتاب کودک هدایت شدم و به قول خودشان مرا به استخر شورا و ادبیات کودکان هُل دادند. من از سال ۱۳۵۷ به شورا پیوستم. اولین فعالیتی که در آن مشارکت داشتم، خرید همین طبقه ای است که الان در آن نشسته ایم. این موضوع را خانم انصاری که دبیر شورا هستند، مطرح کرده بودند. ما در یک جمع بیست نفره نشستیم و قرار شد کمک کنیم تا این ساختمان خریده شود چون می دانستیم شورا خانه ای ندارد» (راعی، ۱۳۹۹: ۱۴۸).

انصاری سال ها پیش از آنکه دبیری شورا را عهده دار شود، از طریق مهری آهی به جرگه کوشندگان فرهنگ کودک پیوسته بود. او که تداوم فعالیت این نهاد فرهنگی را رو به جلو ارزیابی می کند، به سال های ورود به شورا چنین اشاره کرده است:

«سال ۱۳۴۲ که از سوئیس به ایران بازگشتم، از طریق دکتر مهری آهی با خواهر ایشان، خانم لیلی ایمن (آهی) آشنا شدم و بعد به خانم میرهادی معرفی شدم. شورا سال ۱۳۴۱ توسط خانم میرهادی با همکاری افراد دیگری تأسیس شده بود و من نیز پس از آشنایی با ایشان به عضویت شورا درآمدم. شورا بعد از انجمن کتاب، دومین سازمان مردم نهادی است که با آن آشنا شدم و سال ها است در آن کار می کنم و طبعاً بر هم تأثیر متقابل

داشته‌ایم» (انصاری، ۱۳۹۷: ۱۶۹).

قرل‌ایاغ که پس از عضویت در شورا تجربه‌های ارزشمندی در راستای تدریس واحدهای ادبیات و کتابخانه‌های کودک در دانشگاه به‌دست آورد، تأثیر از این نهاد و تأثیر بر آن را به‌منظور پیشبرد پژوهشی پویا و کارآمد، در سطحی مطلوب ارزیابی می‌کند. او دلیل ورود به شورا را حلقه‌ی مهر خانم‌ها میرهادی و انصاری دانسته و چنین بیان می‌کند:

«آشنایی با شورای کتاب کودک مرا در حلقه‌ی مهر خانم‌ها میرهادی و انصاری کشاند. البته با خانم انصاری سی سال در گروه کتابداری همکار بودم و چون افق‌های فکری هر دوی ما نسبت به کتابداری اجتماعی یکسان بود، خیلی خوب با هم کنار آمدیم. من زمستان ۱۳۵۳ به شورا آمدم. آن‌زمان تازه از آمریکا برگشته بودم و در کتابخانه‌ی دانشگاه صنعتی شریف شروع به کار کرده بودم و با خانم انصاری ارتباط تلفنی داشتم. ایشان می‌گفتند اگر می‌خواهید درس‌های ادبیات کودکان را در دانشگاه تهران تدریس کنید، چون خارج از کشور تحصیل کرده‌اید، از ادبیات کودکان ایران کمتر می‌دانید. پس به شورا پیوندید. من استقبال کردم چون حوزه‌ی مورد علاقه‌ام بود» (قرل‌ایاغ، ۱۳۹۷: ص ۹۴).

### مدیریت مشارکتی یا شورایی

کتابداران و متخصصان ادبیات کودک با طیف گسترده‌ای از مخاطبان سروکار دارند و لازم است از انتشار آثار علمی جدید مطلع باشند. آنان تلاش می‌کنند فعالیت جمعی را به اقدام فردی ترجیح دهند. استفاده از ضمیر «ما» به جای «من»، در مصاحبه با پیش‌کسوتان شورا، تصویر روشنی از اعتقاد آنان به کار جمعی ارائه می‌دهد. شورا از جمله مراکزی است که به شکل مشارکتی اداره می‌شود. اجرای این روش مدیریتی موجب پویایی آن شده است، به‌نحوی که هر ساله، همانند یک دانشگاه، نیروی پژوهشی و کتابدار کتابخانه‌های کودک تربیت می‌کند. میرهادی مدیریت مشارکتی را پویاترین شیوه‌ی مدیریت برای سازمان‌های مردم‌نهاد می‌داند و چنین تحلیلی از آن دارد:

«همه سازمان شورای کتاب کودک، شورایی است یعنی هیچ ریاستی در آن مطرح نیست. مدیریت شورایی است و همه کارها با مشورت، نظرخواهی و برخورد زیبای همگانی انجام می‌شود. به دلیل اینکه سیستم مدیریت شورا هرمی نیست، هر عضو شورا نظر دارد و می‌تواند نظرش را بیان کند. بعد همه روی آن نظر کار و به آن توجه می‌کنند. ادامه حیات شورا به خاطر این سیستم مدیریتی است، یعنی هر کس وارد شورا می‌شود، احساس می‌کند آدم مفیدی است که دارد خدمت می‌کند و این، او را راضی می‌کند» (میرهادی، ۱۳۹۷: ص ۴۴).

بنابراین اجرای مدیریت مشارکتی همواره مد نظر پیشگامان شورا بوده است. این روش در سطوح مختلف، از هیئت‌مدیره تا اعضا و همکاران شورا، دستاوردهای ارزشمندی را برای آن به ارمغان آورده است. تمام طرح‌ها و برنامه‌های شورا با بهره‌مندی از دیدگاه‌های اعضا و همکاران به سرانجام می‌رسد. انصاری که تجربه مدیریت مشارکتی را در گروه کتابداری دانشگاه تهران داشت، به اجرای این شیوه مدیریتی به این شکل اشاره می‌کند: «در این سال‌هایی که دبیری شورا را بر عهده دارم، شکل مدیریت مشارکتی را تجربه کرده‌ام که در سازمان‌های مردم‌نهاد بسیار کارآمد است. مدیریت مشارکتی به این معنا است که از هیئت‌مدیره تا پائین‌ترین سمت در سازمان، همه می‌توانیم در همه زمینه‌ها فکر کنیم، پیشنهاد دهیم، تصمیم بگیریم و کار انجام دهیم. این تشریک مساعی و با هم کار کردن برایم بسیار لذت‌بخش است. البته باید یادآوری کنم که من تجربه مدیریت مشارکتی را پیش از شورا، در گروه آموزش کتابداری دانشگاه تهران تجربه کردم یعنی در کنار دکتر حرّی، خانم قزل‌ایاغ، و آقای حقیقی. زمانی که مدیر گروه بودم، گروه را به صورت مشارکتی مدیریت می‌کردم» (انصاری، ۱۳۹۷: ص ۱۷۰).

طرح‌های اجرایی و کتابداری اجتماعی

متخصصان ادبیات کودک به کتاب به‌عنوان یک کالا نگاه نمی‌کنند، بلکه به آن به‌مثابه موجودی زنده در زیست اجتماعی می‌نگرند. خدمت به کودکان از راه کتاب، یکی از بهترین لذت‌هایی است که نصیب کتابداران می‌شود. امروزه تعبیری که از کتابخانه می‌شود، تنها مکانی برای خواندن نیست بلکه «جایی برای با هم بودن» است. طرح

خورجین کتاب (جا دادن کتاب‌ها در خورجین و رساندن به دست خانواده‌ها) که سال ۱۳۷۳ اجرا شد، یکی از موفق‌ترین طرح‌های اجرایی شورا در راستای توسعه مهارت‌های کتابداران اجتماعی بود. این طرح سال ۱۳۹۹ بار دیگر به صورت کتابشناسی آثار برگزیده و شایان تقدیر در فهرست شورا طرح شد. راعی که سرپرستی اولین طرح خورجین کتاب را عهده‌دار بود، از بازخورد این طرح در مجامع بین‌المللی چنین گفته است:

«سال ۱۳۷۳ / ۱۹۹۴ که سال جهانی خانواده بود، در برنامه‌ریزی و اجرای طرح خورجین کتاب، کنار خانم قزل‌ایاغ نقش کلیدی داشتم. ما این طرح یک‌ساله را با همکاری خانواده‌های داوطلب عضو کتابخانه عمومی حسینییه ارشاد به پایان بردیم و گزارش آن نشان می‌دهد که طرح خیلی موفق‌تری بود. این تجربه به یکی از مهم‌ترین زمینه‌های فعالیت مربوط به ترویج خواندن در میان مروجان کتاب کودک تبدیل شد. خورجین کتاب از سوی شورا در کنگره جهانی ۱۹۹۴ دفتر بین‌المللی کتاب برای نسل جوان در اسپانیا معرفی شد و مورد تحسین قرار گرفت» (راعی، ۱۳۹۹، ص ۱۵۰).

قزل‌ایاغ که از همکاران نخستین طرح خورجین کتاب بود، از رضایت خانواده‌هایی که خورجین‌ها را دریافت کرده بودند، اظهار تعجب کرده بود و شیوه اجرای آن را به این صورت شرح داد:

«برنامه خورجین کتاب به این صورت بود که ما با سرپرستی منصوره راعی و کمک کتابخانه حسینییه ارشاد، ده خانواده از کسانی را که عضو این کتابخانه بودند، انتخاب کردیم؛ مشروط بر اینکه در هر خانواده، حداقل دو بچه وجود داشته باشد که یکی در سطح پیش دبستان و دیگری در سطح راهنمایی یا دبیرستان باشد. این ده خانواده شناسایی شدند و برای آنها ده خورجین انتخاب کردیم و در هر خورجین، در هر نوبت، ده کتاب گذاشتیم؛ کتاب‌هایی که برای سنین مختلف بود یعنی از بچه پیش دبستانی تا پدر و مادر و کتاب‌هایی که در مورد تعلیم و تربیت

یا روانشناسی یا ادبیات کودک بود. این خانواده‌ها تعهد کرده بودند که ماهانه بیایند این خورجین را بگیرند. یک دفتر ثبت روزانه نیز به آنها داده بودیم. یک ماه فرصت داشتند که این ده کتاب را مطالعه و واکنش اعضای خانواده را یادداشت کنند» (قرل‌ایاغ، ۱۳۹۷: ص ۱۴۲).

نگریستن به کتابداری به‌عنوان یک «حرفه اجتماعی» نه یک «تکنیک صرف»، کتابداران دلبسته به این حوزه را مشتاق می‌کند تا به افراد با نیازهای ویژه، به‌عنوان بخشی از اجتماع توجه کنند و به دنبال حل مسائل آنان باشند. کتابخانه کانون اصلاح و تربیت مرکز تهران به‌عنوان یک کتابخانه نمونه در میان کتابخانه‌های زندان، سال ۱۳۷۴ به همت شورا ایجاد شد. فراز و نشیب‌های راه‌اندازی این کتابخانه موجب دستیابی بانیان آن به تجربیات ارزشمندی شد. انصاری استفاده از کتاب به‌عنوان یکی از بهترین روش‌های اصلاح و تربیت را چنین تحلیل می‌کند:

«کاری که به نظرم آموزنده بود و هنوز هم خیلی اهمیت دارد، حضور شورا در کانون اصلاح و تربیت بود یعنی باز شدن درهای زندان به روی یک سازمان غیردولتی. ما در کانون مثلث کتاب و کتابدار و خواننده را تجربه کردیم که واقعاً جواب داد و پی بردیم که اثر ادبی مناسب می‌تواند در روح و ذهن فرزندان تحول ایجاد کند. در حقیقت اصلاح از طریق کتاب روش‌های خاصی دارد و امکان‌پذیر است. شاید کتاب یکی از بهترین وسیله‌ها در بحث اصلاح باشد. به راستی انسان چگونه اصلاح می‌شود؟ با امر یا با خواندن؟ با شلاق یا با ارتباط انسانی؟» (انصاری، ۱۳۹۷: ص ۱۷۳).

قرل‌ایاغ از کار در کتابخانه کانون اصلاح و تربیت به‌عنوان یک فعالیت اجتماعی بسیار درخشان در کارنامه‌اش یاد می‌کند. از دیدگاه او شکوفایی این کتابخانه نشان داد کسی که به کاری که انجام می‌دهد باور داشته باشد، می‌تواند با دست خالی آن را به ثمر برساند. او از چهار سال تجربه حرفه‌ای در کتابخانه مذکور چنین تعبیری دارد:

«من از زمستان ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۴، مدت چهار سال با بچه‌های کانون

اصلاح و تربیت کار کردم و توانستم با یاری همکاران شورایی فعالیت کتابخانه را از صفر به جایی برسانم که وقتی بیرون می‌آمدم، شش هزار عنوان کتاب داشت و انواع فعالیت‌ها در آنجا تجربه شده بود. من از ایده خانم انصاری استفاده کردم و بعد همکاران شورایی آمدند به من کمک رساندند» (قزل‌ایاغ، ۱۳۹۷، ص ۹۴).

### معرفی ادبیات کودک و نوجوان

ابتکارات شورای کتاب کودک ضمن معرفی آثار ایرانی به مجامع بین‌المللی، تحولات گسترده‌ای در مدیریت کتابخانه‌های کودک پدید آورد. به‌رغم اینکه هنوز کتابخانه‌های آموزشگاهی جایگاه خود را در نظام آموزش و پرورش ایران پیدا نکرده، اما تلاش‌های شورا دستاوردهای ارزشمندی برای این گروه سنی به ارمغان آورده است. شورا در راستای معرفی ادبیات کودک هر دو سال یک‌بار مجموعه آثار یک نویسنده و مترجم و تصویرگر را برای دریافت جایزه هانس کریستین اندرسن<sup>۱</sup> به دفتر بین‌المللی کتاب برای نسل جوان (IBBY) معرفی می‌کند. همچنین صاحب‌نظران ادبیات کودک را برای عضویت در هیئت داوران جایزه و ریاست هیئت داوران معرفی می‌کند. میرهادی به حضور در هیئت داوران جایزه اندرسن به این شکل اشاره کرده است:

«ما با دفتر بین‌المللی کتاب برای نسل جوان در ارتباط مداوم بودیم. آن چیزی که مشاهده کردیم، این بود که اگر دفتر بین‌المللی است، اعضای فعال فقط از آمریکا و اروپا نباشند، بلکه کشورهای آسیایی و آفریقایی هم بتوانند در آنجا نقش و سهم داشته باشند. شورا به این نتیجه رسید که برای هیئت داوران جایزه اندرسن کاندیدا معرفی کند و من هم قبول کردم که این تجربه را به ایران بیاورم. من چهار دوره برای این جایزه رفتم و حاصل آن، مجموعه بسیار بزرگی از کتاب‌های نفیس شد که از همه

1. Hans Christian Anderson

جای دنیا آمد» (میرهادی، ۱۳۹۷: ص ۷۰).

قزل‌ایاغ بر این باور است که حضور بین‌المللی در زمینه معرفی ادبیات کودکان ایران حائز اهمیت است و آن را برای کشورهای در حال توسعه ضروری قلمداد می‌کند. قزل‌ایاغ تأثیر حضور در مجامع جهانی را چنین تحلیل کرده است:

«یکی از وجوه معرفی ادبیات کودک حضور بین‌المللی است. هرچه حضور بین‌المللی بیشتر باشد، شما را آن طرف مرزها بیشتر می‌شناسند. حضور بین‌المللی ایران در سال‌های اخیر انصافاً خوب بوده است. با اینکه جزو کشورهای در حال رشد هستیم، ولی حضور بین‌المللی ما از خیلی کشورهای پیشرفته بیشتر است. در اغلب سمینارهای مربوط به داوری دفتر بین‌المللی کتاب برای نسل جوان و جایزه بین‌المللی اندرسن مرتباً حضور داشتیم؛ از خانم میرهادی بگیرید تا نفر دوم که بنده بودم، بعد خانم راعی و خانم قایینی عضو هیئت داوری بودند» (قزل‌ایاغ، ۱۳۹۷: ص ۱۰۵).

راعی بی‌توجهی به گنجاندن درس‌های مربوط به ادبیات کودک در دانشکده‌های ادبیات را نقصان بزرگی در سیستم آموزشی ایران می‌داند. جدی نگرفتن ادبیات کودک و بی‌اهمیتی نسبت به جایگاه آن در دانشگاه‌ها، بال پرواز را از این قسم شاخه ادبی می‌گیرد. او در فرازی از مصاحبه چنین می‌گوید:

«ادبیات کودک به ایرانیان هم به خوبی معرفی نشده است، چه برسد به جهانیان! ادبیات کودکان در ایران بسیار مهجور است. امروزه ادبیات کودک که سابقه تدریس پنجاه ساله در این مملکت دارد و در رشته‌های علوم تربیتی، کتابداری و هنر به اندازه دو واحد تدریس می‌شود، با منابع اندکی روبه‌رو است و نمی‌تواند کاری از پیش ببرد. جای ادبیات کودکان در دانشکده ادبیات است و آنجا می‌تواند بال و پر بگیرد، مطرح شود و نقش سازنده ایفا کند» (راعی، ۱۳۹۹: ص ۱۵۶).

انصاری بی‌اهمیتی به انتشار آثار مرجع در این زمینه را مانع رشد آن می‌داند. او با

تمرکز بر کتاب‌های تاریخ ادبیات کودکان ایران و فرهنگنامه کودکان و نوجوانان به‌عنوان پژوهش‌های روشمند، به نقاط ضعف در زمینه شناساندن این آثار چنین اشاره کرده است:

«ما هنوز آن‌قدر که لازم است درباره ادبیات کودکان ایران کار نکرده‌ایم؛ نه در دانشگاه‌ها، نه در انجمن‌ها و نه در نشریات تخصصی. از نظر نهادهایی که می‌توانند حرکت‌های مهم ادبی را معرفی کنند، ضعف داریم. کتاب تاریخ ادبیات کودکان ایران که درآمد، چقدر مورد توجه قرار گرفت؟ این، یک اثر فوق‌العاده است و در هر جای دنیا که بود، به‌عنوان یک حادثه فرهنگی مطرح می‌شد و می‌درخشید ولی نزد ما سکوت!» (انصاری، ۱۳۹۷: ص ۱۷۶).

### کیفیت آثار کودک و نوجوان

گروه‌های بررسی در شورا با هدف معرفی کتاب‌های مناسب برای کودکان و نوجوانان، در ابتدا بررسی کتاب‌ها را بر اساس رده‌های سنی انجام می‌دادند، ولی به تدریج بحث تعیین ملاک‌های ارزشیابی آثار کودکان مطرح شد و این گروه‌ها در تحلیل انواع آثار به کار خود ادامه دادند. انصاری عملکرد گروه‌های بررسی را چنین ارزیابی می‌کند:

«جریان بررسی کتاب امر بسیار مهمی است و تمام فعالیت‌های مرتبط با کتاب در شورا، متأثر از این جریان است. شورا هیچ فعالیتی انجام نمی‌دهد مگر اینکه به شکلی با این جریان مرتبط باشد. بر اساس این بررسی جایزه اهدا می‌شود و فهرست چاپ می‌شود. نتیجه این بررسی‌ها شناخت ادبیات است، به گونه‌ای که این شناخت باعث رشد کیفی و کمی آثار شود» (انصاری، ۱۳۹۷: ص ۱۷۲).

راعی عدم آشنایی با حقوق کودک را مهم‌ترین دلیل نزول سطح کیفی انتشار آثار در این حوزه می‌داند. او ضمن انتقاد از بی‌توجهی بسیاری از نویسندگان، مترجمان و تصویرگران با فرهنگ کودک و بی‌اطلاعی از هویت کودک در دوران معاصر، به موضوع مذکور به این صورت اشاره می‌کند:



«ما در حوزه ادبیات کودک با خیل نویسندگان و تصویرگرانی روبه‌رو هستیم که تا رسیدن به مقصد راه درازی در پیش دارند. مشکل آن‌ها این است که کودک زمانه را نمی‌شناسند، ذائقه او را نمی‌دانند و فکر می‌کنند می‌شود هر چیزی را به اسم کودک درآورد. در اینکه ما افراد شایسته بسیاری داریم، هیچ شکی ندارم. مسئله بزرگ در جامعه نشناختن حقوق کودک و از میان رفتن کودک درون نویسنده‌ها است. ما برای رسیدن به شعر و نثر بکر راه زیادی پیش‌رو داریم» (راعی، ۱۳۹۹: ص ۱۵۷).

قزل‌ایاغ از رکود فعالیت‌های آکادمیک در حوزه ادبیات کودک گلایه دارد. به بیان او لازم است آموزش و پژوهش در این حوزه به موازات خلق آثار روبه‌جلو حرکت کند تا آثاری بدیع زائیده شوند. قزل‌ایاغ دلایل اصلی پائین بودن سطح کیفی آثار کودک را به این صورت برشمرده است:

«با گذشت دو‌یست سال از عمر ادبیات کودک در دنیا، فعالیت در این حوزه در شاخه‌های مختلف بوده و فقط تألیف کتاب یا سرودن شعر یا تصویرگری نبوده است. به عبارتی پژوهش، تدریس و فعالیت‌های آکادمیک به رشد این حوزه کمک کرده است. بینید وضعیت تدریس ادبیات کودکان در دانشگاه‌های ایران به چه شکل است؟ نیروی انسانی برای اینکه به یک منتقد ادبیات کودکان تبدیل شود، در جایی پرورش داده نمی‌شود. اینکه معلمی باشد که بتواند ادبیات کودک را به خوبی سر کلاس به کار ببرد یا تصویرگری باشد که وقتی از دانشکده هنرهای زیبا بیرون می‌آید، بداند که تصویر کتاب کودک یعنی چه، در جایی آموزش نمی‌بینند» (قزل‌ایاغ، ۱۳۹۷: ص ۱۱۰).

### کارگاه‌های ادبیات کودک و نوجوان

کارگاه آشنایی با ادبیات کودک و نوجوان از مهم‌ترین کارگاه‌های شورا است. این کارگاه از سال ۱۳۶۴ به پیشنهاد مریم احمدی شکل گرفت و مشاوران آن میرهادی و قزل‌ایاغ بودند. دوره‌های نخست کارگاه مذکور با همکاری انصاری، نرگس طالقانی،

مهدخت کشکولی، نسرین دخت عماد خراسانی، عباس حرّی، و هوشنگ شریف‌زاده برگزار شد. راعی که از مسئولین برگزاری کارگاه‌های آشنایی با ادبیات کودک بود، ضمن اشاره به تأثیر مطالب ارائه‌شده در این کارگاه‌ها بر ارتقای سطح کیفی آثار، به پیشینه راه‌اندازی کارگاه‌ها چنین پرداخته است:

«پیشنهاد شکل‌گیری کارگاهی که به مسائل و مراحل رشد ادبیات کودکان پردازد، در هیئت‌مدیره شورا مطرح شد و خانم احمدی آن را پیشنهاد کرده بودند. بحث در زمینه لزوم راه‌اندازی این کارگاه خیلی زمان برد ولی تشکیل شد. بعد با دعوتی که از چند تن از متخصصان تعلیم‌وتربیت و روانشناسی مثل دکتر طالقانی، دکتر حرّی و جهانشاهی داشتیم، کارگاه خیلی زود مورد ارزشیابی قرار گرفت و تغییر شکل و برنامه داد. پس از آن دوازده دوره کارگاه‌ها را سرپرستی کردم» (راعی، ۱۳۹۹: ص ۱۶۷).

گفتنی است آموزش ادبیات کودک در راستای بررسی تاریخ ادبیات کودکان همواره یکی از دغدغه‌های پیشگامان شورا بوده است. آموزش مباحث نظری، پژوهش، نقد و تاریخ‌نگاری در این شاخه از ادبیات از مواردی است که از سوی استادان بر آن تأکید شده است. انصاری کیفیت کارگاه‌های برگزارشده را به این صورت تحلیل می‌کند:

«جریان مهم دیگر در شورا، آموزش ادبیات کودکان است. ما تجربه برگزاری کارگاه‌های متعددی را پشت سر گذاشته‌ایم. شورا همانند یک دانشگاه نیروی متخصص در تمام حوزه‌ها تربیت کرده است. از شرکت‌کنندگان، حدود نیمی در شورا می‌مانند و بقیه به جامعه رفته، دوستدار کودکان می‌شوند. آنهایی که می‌مانند، شورا را قوی‌تر و توانمندتر می‌کنند» (انصاری، ۱۳۹۷: ص ۱۷۲).

مهم‌ترین دلیل موفقیت شورا در برگزاری کارگاه‌ها، استمرار آن در طول چهار دهه گذشته بوده است. علاوه بر آموزش ادبیات کودک، به تربیت کتابدار برای کتابخانه‌های مدارس نیز اندیشیده شده است. کتابداران بر این باورند که کتابخانه قلب تپنده مدارس

است و معلمان موفق در قامت کتابدار، موجبات آشنایی دانش آموزان با منابع کتابخانه‌ای را فراهم می‌آورند. اهمیت فراگیری مطالب کارگاه‌ها در فرازی از مصاحبه با قزل‌ایاغ چنین طرح شده است:

«هیچ سالی نبوده که شورا بدون کارگاه و دوره بوده باشد. به گفته خودم ایمان دارم که از این چهل سال فعالیت شورا، اگر سه چهار سال اول را استثنا کنید، سالی نبوده که دست کم با یک کارگاه سر کرده باشد. برای یکی از حوزه‌هایی که بسیار مورد علاقه‌ام است، خدمت خانم انصاری برنامه‌ریزی کرده‌ایم که دوره «تربیت کتابدار برای کتابخانه‌های مدارس» را راه‌اندازی کنیم» (قزل‌ایاغ، ۱۳۹۷: ص ۹۹).

تولد فرهنگنامه کودکان و نوجوانان

شورا از نخستین همایش در سال ۱۳۴۲ تألیف فرهنگنامه‌ای برای کودکان و نوجوانان ایرانی را به‌عنوان یکی از ضرورت‌های جامعه مطرح کرده بود. به همین سبب با بهره‌گیری از تجربه‌های دایره‌المعارف‌نویسان ایرانی، برخورداری از دانش کارشناسان، با تکیه بر کار داوطلبانه و نیز دریافت مبلغی از سهم الارث مرحوم محسن خمارلو، همسر میرهادی، پائیز ۱۳۵۸ تدوین فرهنگنامه کودکان و نوجوانان را آغاز کرد. میرهادی که پیشنهاددهنده تألیف فرهنگنامه بود، نحوه اجرای گام‌های اولیه را چنین شرح داده است:

«مطابق درخواست همسر من یک‌سوم از دارایی‌اش را که در زمان حیاتش به من منتقل کرده بود، به شورا آوردم. بعد در هیئت‌مدیره شورا گفتم که این، یک آورده است و آرزویم این است که یک فرهنگنامه برای بچه‌ها درست کنیم و من هم وقف این کار هستم. هیئت‌مدیره پنج نفر را انتخاب کرد: خانم راعی، من، خانم عماد خراسانی و یک نفر دیگر. ما هسته اولیه تدوین فرهنگنامه را شکل دادیم و کار را شروع کردیم. خانم انصاری و خانم عماد دست ما را گرفتند و یک دانشگاه برای فرهنگنامه ایجاد کردند تا یاد گرفتیم چگونه آن را شکل دهیم و اداره

کنیم» (میرهادی، ۱۳۹۷: ص ۴۶).

هسته اولیه تدوین فرهنگنامه که از سوی هیئت مدیره شورا منصوب شدند، نقش مهمی در پایه گذاری بنیان‌های اساسی یک اثر مرجع با طیف گسترده‌ای از خوانندگان داشتند. بهره‌مندی از مشاوره متخصصان موضوعی و کارشناسان آموزش و پرورش فرهنگنامه را به اثری قابل اتکا برای کودکان و نوجوانان بدل کرد. راعی از حلقه پنج‌نفره‌ای که موجبات تولد فرهنگنامه را فراهم آوردند، چنین یاد می‌کند:

«من یکی از پنج‌نفری بودم که نخستین حلقه تولد فرهنگنامه کودکان و نوجوانان را به ابتکار خانم میرهادی شکل دادیم. در این گروه پنج‌نفره خانم میرهادی، خانم انصاری، مرحوم جهانشاهی، مرحوم سیروس طاهباز و من بودیم. از آن زمان به بعد با فرهنگنامه در نقش نویسنده، ویراستار، عضو شورای مشورتی و اجرایی همکاری دارم. گروه مشورتی نوجوانان هم به پیشنهاد من شکل گرفت که نوجوانان را درگیر این کار کردیم که تداوم دارد» (راعی، ۱۳۹۹: ص ۱۴۸).

انصاری از نخستین متخصصانی بود که فرهنگنامه از مشاوره او بهره برد و از آغاز، عضو شورای اجرایی فرهنگنامه بود. او ضمن اشاره به این موضوع که به دلیل کتابدار بودن، همواره به اهمیت تهیه آثار مرجع علاقه‌مند بود، به دلایل پدید آوردن یک اثر مرجع برای کودکان ایرانی چنین اشاره می‌کند:

«حس نیاز به تدوین یک دانشنامه ایرانی برای نوجوانان این سرزمین، به مدرسه فرهاد و جایگاه این گونه آثار در اندیشه تربیتی خانم میرهادی برمی‌گردد. من هم چون کتابداری خوانده بودم، طبعاً به اهمیت کتاب‌های مرجع و تثبیت هویت ملی توجه داشتم. بنابراین به این حوزه علاقه‌مند بودم و خواست خانم میرهادی را با تمام وجود حس می‌کردم. سال ۱۳۵۷ که دبیر شورا شدم، طرح تدوین فرهنگنامه کودکان و نوجوانان در هیئت مدیره مطرح شد. همان موقع پیشنهاد شد که اثر کوتاه‌تری به وجود بیاید، ولی هیئت مدیره تصمیم گرفت که برعکس،

یک اثر بزرگ پدید بیاورد» (انصاری، ۱۳۹۷: ص ۱۸۶).

قرل‌ایاغ که همواره در حال حرکت در مسیر چهل‌ساله تدوین فرهنگنامه بود، آن را یکی از بهترین آثار مرجع در ایران برمی‌شمارد و ضمن اشاره به نحوه سرپرستی جلد یازدهم، شیوه همکاری‌اش را با فرهنگنامه چنین توصیف می‌کند:

«همکاری‌ام با فرهنگنامه مستمر بوده، ولی یکنواخت نبوده است. بعضی اوقات همکاری‌ام خیلی بیشتر بوده، مثلاً هم جزو گروه مشاوران بودم، هم خودم مقاله می‌نوشتم و هم در تدوین دستورالعمل‌های فرهنگنامه مشارکت داشتم. زمانی هم نه، فقط برایم مقاله می‌فرستادند و اگر مقاله‌ای در حوزه تخصصی من وجود داشت، می‌خواندم و نظر می‌دادم. از وقتی بازنشسته شدم، زمان بیشتری به فرهنگنامه اختصاص می‌دهم» (قرل‌ایاغ، ۱۳۹۷: ص ۱۲۵).

### ویژگی‌های فرهنگنامه

فرهنگنامه کودکان و نوجوانان که تاکنون جوایز متعددی از جمله جایزه کتاب سال (۱۳۷۷) و جایزه ترویج علم ایران (۱۳۷۹) را به خود اختصاص داده، دارای ویژگی‌های خاصی است. این فرهنگنامه با الهام از تاریخ و فرهنگ ایران تدوین می‌شود و نگارشی روان و مناسب با واژگان پایه کودکان و نوجوانان دارد. بیش از ۹۰ درصد از کارشناسانی که مقاله تدوین می‌کنند، کار علمی خود را به‌صورت داوطلبانه و بدون دریافت وجه به کودکان اهدا می‌کنند (درباره فرهنگنامه، بی‌تا). مقالات علاوه بر صحت و دقت و به‌روز بودن اطلاعات دو ویژگی دارند: «جامعیت هر مبحث» و «نگاه از ایران و ابعاد آن». انصاری به ویژگی‌های مذکور به این صورت اشاره می‌کند:

«ویژگی اول فرهنگنامه آن است که یک دانشنامه عمومی نسبتاً بزرگ است و تنها جایی که می‌توانست یک کتاب مرجع به این عظمت برای کودکان و نوجوانان ده تا شانزده سال در بیاورد، شورا است. دلیلش این است که ما در شورا به کار جدی و پژوهش داوطلبانه عادت داریم.

ویژگی دوم نگاه از ایران به جهان است. یعنی پیدا کردن همکارانی با دغدغه پرورش این نگاه که یک نویسنده و ویراستار ایرانی هستند. ارزش‌ها و نگرش ایرانی و پرورش زبان فارسی، نگرش از ایران به جهان است» (انصاری، ۱۳۹۷: ص ۱۸۶).

مقاله‌های فرهنگنامه تکمیل‌کننده مطالب کتاب‌های درسی هستند و دانش‌آموزان با مراجعه به آن، اطلاعات مفیدی در باب گیاهان، کشورها و ... می‌یابند. خوانش مقاله‌ها و مشاهده دقیق تصاویر و زیرنویس آن‌ها، به توسعه گنجینه واژگان زبان فارسی دانش‌آموزان کمک می‌کند. میرهادی فرآیند انتخاب تصاویر را چنین شرح داده است:

«وقتی در فرهنگنامه تصویر انتخاب می‌کنیم، ذهنیت ما فقط بچه‌های تهرانی نیست و به همه بچه‌ها توجه داریم. کوشش ما این است که تصویر درستی از موضوع در مقاله بگذاریم تا بچه‌ها به راحتی با موضوع ارتباط برقرار کنند. گاهی اطلاعات پیرامون یک رود یا کوه مطرح است، ولی یک‌وقتی مقاله خلیج فارس در دست تهیه است. ما لااقل بیشتر از پنجاه نقشه را بررسی کردیم برای اینکه ببینیم کدام نقشه، نقشه درستی است؟ آیا می‌توانیم به صحت اطلاعات آن اعتماد کنیم؟» (میرهادی، ۱۳۹۷: ص ۳۸).

گفتنی است مدخل‌گزینی در فرهنگنامه توسط گروهی از متخصصان صورت پذیرفت و بیش از ۵۵۰۰ مدخل در علوم مختلف انتخاب شد. سپس روش کار، شکل ارائه، منابع و مراجع و ... تعیین و تهیه مجلدات پی گرفته شد. قزل‌ایاغ ویژگی مدخل‌های فرهنگنامه را چنین توصیف کرده است:

«مدخل‌ها با توجه به فرهنگ ایرانی انتخاب شده است و حدود دو هزار تای آن مستقیماً به تاریخ، فرهنگ، بوم و طبیعت ایران برمی‌گردد که این را در هیچ فرهنگنامه بین‌المللی پیدا نمی‌کنید. سال‌ها روی مدخل‌ها کار شده است. مثلاً خیلی از مدخل‌ها وقتی بازبینی شد، موضوعیت آن زیر سؤال رفت. هر روزی که گذشته، فرهنگنامه سخت‌گیرتر و معیارهای آن

شسته رفته‌تر شده است» (قزل‌ایاغ، ۱۳۹۷: ص ۱۲۷).

### جایگاه فرهنگنامه در جامعه

فرهنگنامه کتابی تأثیرگذار برای همه اعضای خانواده است. والدین با خوانش مقالات برای کودکان و مرور تصاویر، آنها را به دانستن مطالب علاقه‌مند می‌کنند. معلمان با بهره‌گیری از این اثر دانش‌آموزان را به یافتن موضوع‌های مشترک میان فرهنگنامه و درس‌های خود تشویق می‌کنند. کتابداران با استفاده از فرهنگنامه توانایی درک متن و نوشتن به شیوه خلاق را در کودکان تقویت می‌نمایند. در این راستا، میرهادی از بی‌توجهی به آن در داخل کشور چنین گله کرده است:

«فرهنگنامه زمانی جهانی می‌شود که در داخل به آن توجه لازم بشود. هیچ وزارتخانه‌ای نبوده که شورا از آن تقاضای کمک نکرده باشد ولی آنها هیچ جوابی ندادند! فقط در دوره کوتاهی که اجازه چاپ جلد دوم را نمی‌دادند، آقای مهاجرانی اجازه چاپ آن را گرفتند. ما حتی نمی‌توانیم با آموزش و پرورش کنار بیاییم که این اثر باید به دست همه بچه‌های ایران برسد و باید در تمام کتابخانه‌های عمومی باشد» (میرهادی، ۱۳۹۷: ص ۴۸).

به باور کارشناسان ادبیات کودک جایگاه واقعی فرهنگنامه در کتابخانه‌های مدارس است. موفقیت کامل فرهنگنامه زمانی محقق می‌شود که درب کتابخانه‌های مدارس بر روی آن گشوده شود. قزل‌ایاغ به مقاومت شدید وزارت آموزش و پرورش در پذیرش این اثر چنین اشاره می‌کند:

«تا سال‌ها آموزش و پرورش فرهنگنامه را نمی‌پذیرفت. فرهنگنامه در سال‌های اخیر اندک‌اندک دارد راهش را در این وزارتخانه باز می‌کند. وزارت ارشاد هم دارد برای کتابخانه‌های عمومی خریداری می‌کند. کانون پرورش فکری نیز این اثر را برای کتابخانه‌هایش به رسمیت می‌شناسد. امیدوارم فرهنگنامه بتواند با فروش به یک تشکیلات متمرکز

سود کند چون با تک‌فروشی به خانواده‌ها نمی‌شود چنین کار عظیمی را پیش برد» (قزل‌ایاغ، ۱۳۹۷: ص ۱۳۲).

عامل دیگری که موجب شد فرهنگنامه به جایگاه شایسته خود نرسد، ناآشنایی خانواده‌ها با اصول کار با آثار مرجع است. بنابراین تهیه این قسم آثار را برای فرزندان‌شان ضروری نمی‌دانند. درست است که فرهنگنامه برای مخاطبان ده تا شانزده سال تهیه می‌شود، ولی والدین هم می‌توانند از آن بهره ببرند. انصاری برخورد مردم با فرهنگنامه را چنین توصیف می‌کند:

«زمانی که مهمان غرفه فرهنگنامه در نمایشگاه بین‌المللی کتاب هستم، عکس‌العمل جامعه را می‌بینم. حس می‌کنم تا یافتن جایگاه مردمی راه درازی باید طی شود. عموماً سیل جمعیت است که بی‌تفاوت می‌گذرند، برخی می‌پرسند چرا تمام نمی‌شود و برخی نیز شادمان دنبال جلد جدید می‌آیند. معتقدم هر کدام از جلدهای فرهنگنامه عظمت خاصی دارد. درست است که تمام نشده، ولی کتاب‌های تمام‌شده بسیاری را درون خودش جای داده است» (انصاری، ۱۳۹۷: ص ۱۹۵).

## نتیجه

با توجه به مطالب درج‌شده در زمینه تفسیر داده‌های حاصل از اجرای طرح تاریخ شفاهی شورای کتاب کودک نکات زیر استنباط شد:

زنان پیشگام نقش چشمگیری در گسترش فعالیت‌های شورای کتاب کودک و شکوفایی کار داوطلبانه در جامعه ایفا کردند.

شورا که شش دهه فعالیت مستمر برای شکوفایی ادبیات کودکان و نوجوانان ایرانی و بهبود آثار برای این گروه سنی را در کارنامه‌اش دارد، همانند یک مؤسسه آموزشی نیروی کارآمد و علاقه‌مند به ادبیات کودک تربیت کرده است.

شورا موجبات برآمدن مؤسسات دیگری همچون مؤسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان را فراهم آورده و روحیه کار جدی داوطلبانه را گسترش داده است.



مصاحبه با فعالان ادبیات کودک به‌ویژه بنیان‌گذاران مؤسساتی که از دل شورا بیرون آمده‌اند، حائز اهمیت است و مستندسازی تجربیات آنان، تصویر روشنی از تأثیر شورا به‌عنوان یک سازمان فرهنگی بر اشخاص حقیقی و حقوقی به نمایش می‌گذارد. لازم است نسبت به گفت‌وگو با کارشناسان سایر سازمان‌های فعال در زمینه کتاب و کتابخوانی برای همه اقشار جامعه، به‌ویژه کودکان و نوجوانان همت گماشت تا بدین شکل مؤلفه‌هایی که موجب الهام گرفتن آنان از شورای کتاب کودک شده است، به دقت بررسی شود.

## منابع

- انصاری، نوش‌آفرین (۱۳۹۷). ستاره فروزان: مصاحبه تاریخ شفاهی با نوش‌آفرین انصاری. مصاحبه، تدوین و پژوهش پیمانہ صالحی. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
- انصاری، نوش‌آفرین؛ ناصری دریایی، مسعود (۱۳۹۰). دفتر بین‌المللی کتاب برای نسل جوان. در: فرهنگنامه کودکان و نوجوانان (ج ۱۴). تهران: شرکت تهیه و نشر فرهنگنامه کودکان و نوجوانان: ۱۶۶-۱۷۴.
- انصاری، نوش‌آفرین (۱۳۹۶). شورای کتاب کودک. در: فرهنگنامه کودکان و نوجوانان (ج ۱۷). تهران: شرکت تهیه و نشر فرهنگنامه کودکان و نوجوانان: ۱۲۰-۱۲۴. درباره فرهنگنامه (بی‌تا). بازیابی شده از: [farhangnameh.com](http://farhangnameh.com)
- راعی، منصوره (۱۳۹۹). راه روشن: مصاحبه تاریخ شفاهی با منصوره راعی. مصاحبه، تدوین و پژوهش پیمانہ صالحی. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
- قزل‌ایاغ، ثریا (۱۳۹۷). دل‌سپرده به کودکان: مصاحبه تاریخ شفاهی با ثریا قزل‌ایاغ. مصاحبه، تدوین و پژوهش پیمانہ صالحی. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
- میرهادی، توران (۱۳۹۷). افسانه پیروز: مصاحبه تاریخ شفاهی با توران میرهادی. مصاحبه حجت‌الحق حسینی، تدوین ندا رسولی. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.